

The Impacts of the Kurdistan Region Independence Referendum on Iran and Turkey's Foreign Policy

1. Mustafa Mashhadi Qale Jooghi: PhD Student, Department of International Relations, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran
2. Seyed Jalal Dehghani Firouzabadi*: Professor, Department of International Relations, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. Email: jdehghani20@yahoo.com (Corresponding Author)
3. Mohammad Yousefi Joybari: Assistant Professor, Department of International Relations, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

ABSTRACT

The Kurdish separatism issue has always been one of the major fault lines in the West Asian region, with the potential to be activated at any time. After the emergence of ISIS, the power vacuum in Iraq deepened to the extent that the Kurdistan Region assessed the situation as conducive for holding an independence referendum. Masoud Barzani, then President of the Kurdistan Region of Iraq, after years of effort, was ultimately able to garner considerable support among various Kurdish factions for implementing the scenario of establishing an independent Kurdish state. The successful execution of such a scenario could have triggered another wave of violence and instability based on ethnic differences in the West Asian region. The collapse of the bipolar world order led to two waves of regional instability globally. The first wave, occurring in the early 1990s, cast its shadow over the geographical areas south and west of the former Soviet Union, such as Central Asia, the Caucasus, the Balkans, and Eastern Europe. Gradually, these areas came under control and achieved relative stability. The second wave destabilized the Middle East, especially in the early 21st century, and continues to persist with increasing intensity. This instability stems from the confrontation between two major actors: on one side, an extra-regional actor, specifically the United States, aiming to control the affairs of this geographical space, and on the other side, regional actors comprising a collection of some states, nations, and organized groups that are not necessarily aligned or unified. This phenomenon partially reflects what Huntington referred to as the "clash of Western and Islamic civilizations." The outcome of this confrontation is the proliferation of crises in the Middle East and the transformation of its geopolitical processes. Specific examples of these crises include the Palestine-Israel-Lebanon conflict, the Kurdish issue, the Iraq crisis, the Afghanistan conflict, the security crisis in Pakistan, the Iran-U.S. confrontation, the legitimacy issues of governments, the spread of fundamentalist ideologies, the development of Arab-Turkish-Iranian rifts—or what can be described as the triangular rift—the crisis of insecurity and terrorism, among others. These crises have the potential to fuel further instability, insecurity, and transformation. This study aims to conduct a comparative analysis of Iran and Turkey's foreign policy concerning the Kurdistan Region's independence referendum, offering a distinct perspective on the Kurdish issue in Iraq. Given the Kurdistan Region's geo-strategic and geo-political significance, any changes in the Kurdistan Region could have significant impacts on Iraq, Iran, Turkey, and the Middle Eastern policies of extra-regional powers.

Keywords: *Iran's foreign policy, Turkey, Kurdistan referendum, balance of threat.*

How to cite: Mashhadi Qale Jooghi, M., Dehghani Firouzabadi, S. J., & Yousefi Joybari, M. (2024). The Impacts of the Kurdistan Region Independence Referendum on Iran and Turkey's Foreign Policy. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 6(4), 31-48.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 30 November 2024
Revise Date: 10 December 2024
Accept Date: 25 December 2024
Publish Date: 31 December 2024



پژوهش‌هاک تطبیقی فقه،

حقوق و سیاست

تأثیرات همه‌پرسی استقلال کردستان عراق بر سیاست خارجی ایران و ترکیه

۱. مصطفی مشهدی قلعه جوقی: دانشجوی دکتری، گروه روابط بین الملل، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

۲. سید جلال دهقانی فیروزآبادی*: استاد، گروه روابط بین الملل، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. پست الکترونیک:

jdehghani20@yahoo.com (نویسنده مسئول)

۳. محمد یوسفی جویباری: استادیار، گروه روابط بین الملل، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

چکیده

مسئله جدایی طلبی کردها همواره یکی از گسل‌های بزرگ در سطح منطقه غرب آسیا بوده که امکان فعال شدن آن وجود داشته و دارد. پس از ظهور داعش، خلاء قدرت در عراق به حدی عمیق شد که اقلیم کردستان، فضا را برای طرح فراندوم جدایی مناسب ارزیابی کرد. مسعود بارزانی، رئیس وقت اقلیم کردستان عراق، با تلاشی چند ساله نهایتاً توانست طیف‌های مختلف کرد را تا حد زیادی در اجرای سناریوی تشکیل کشور مستقل کردستان با خود همراه سازد. اجرای موفق چنین سناریویی می‌توانست باعث به وجود آمدن موج دیگری از خشونت‌ها و بی‌ثباتی‌ها بر اساس تفاوت قومیتی در منطقه غرب آسیا شود. فروپاشی نظام دو قطبی منجر به بروز دو موج بی‌ثباتی منطقه‌ای در جهان شد: موج اول که مربوط به آغاز دهه ۱۹۹۰ بود و بر فضاهای جغرافیایی جنوب و غرب شوروی سابق نظیر آسیای مرکزی، قفقاز، بالکان و اروپای شرقی سایه افکند. این موج به تدریج به کنترل درآمد و فضاهای مزبور به نوعی آرامش نسبی دست یافتند. موج دوم منطقه خاورمیانه را به ویژه در اوایل قرن بیست و یکم بی‌ثبات کرد که به طور فزاینده‌ای ادامه دارد. این بی‌ثباتی نتیجه رویارویی دو بازیگر عمده است که در یک طرف آن بازیگر برون منطقه‌ای و مشخصاً آمریکا قرار دارد که به دنبال کنترل امور این فضای جغرافیایی است و در طرف دیگر بازیگران درون منطقه‌ای قرار دارند که مجموعه‌ای از برخی دولت‌ها و ملت‌ها و نیز گروه‌های سازمان‌یافته را شامل می‌شود که لزوماً با یکدیگر همسو و متحد نیستند. این پدیده تا حدی بیانگر همان چیزی است که هانتینگتن از آن به رویارویی تمدن غرب و اسلام یاد می‌کند. نتیجه این رویارویی و تقابل، توسعه بحران‌ها در خاورمیانه و تحول فرآیندهای ژئوپلیتیکی در آن است. مسأله فلسطین و اسرائیل و لبنان، مسأله کردستان، بحران عراق، مسأله افغانستان، بحران امنیتی پاکستان، بحران رویارویی ایران و آمریکا، مسأله مشروعیت حکومت‌ها، گسترش اندیشه‌های بنیادگرایانه، توسعه شکاف‌های عربی-ترکی و ایرانی یا به عبارتی مثلث شکاف، بحران ناامنی و ترور و غیره مصادیق مشخص آن می‌باشند. این بحران‌ها پتانسیل لازم را برای توسعه بی‌ثباتی، ناامنی و تحول فراهم می‌کنند. مقاله حاضر با هدف مطالعه تطبیقی سیاست خارجی ایران و ترکیه در قبال همه‌پرسی استقلال کردستان عراق سعی دارد از منظری متفاوت به موضوع کردستان عراق بپردازد. چرا که با توجه به جایگاه ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیکی کردستان عراق، هرگونه تغییر در اقلیم کردستان عراق می‌تواند تأثیرات متعددی را در عراق، ایران و ترکیه و سیاست خاورمیانه‌ای قدرت‌های فرامنطقه‌ای داشته باشد.

واژگان کلیدی: سیاست خارجی ایران، ترکیه، همه‌پرسی کردستان، موازنه تهدید.

نحوه استناددهی: مشهدی قلعه جوقی، مصطفی، دهقانی فیروزآبادی، سید جلال. و یوسفی جویباری، محمد. (۱۴۰۳). تأثیرات همه‌پرسی استقلال کردستان عراق بر سیاست خارجی ایران و ترکیه. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۶(۴)، ۳۱-۴۸.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۱۰ آذر ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۲۰ آذر ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۵ دی ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۱۱ دی ۱۴۰۳



مقدمه

مسئله جدایی طلبی کردها همواره یکی از گسل‌های بزرگ در سطح منطقه غرب آسیا بوده که امکان فعال شدن آن وجود داشته و دارد. پس از ظهور داعش، خلاء قدرت در عراق به حدی عمیق شد که اقلیم کردستان، فضا را برای طرح فراندوم جدایی مناسب ارزیابی کرد. مسعود بارزانی، رئیس وقت اقلیم کردستان عراق، با تلاشی چند ساله نهایتاً توانست طیف‌های مختلف کرد را تا حد زیادی در اجرای سناریوی تشکیل کشور مستقل کردستان با خود همراه سازد. اجرای موفق چنین سناریویی می‌توانست باعث به وجود آمدن موج دیگری از خشونت‌ها و بی‌ثباتی‌ها بر اساس تفاوت قومیتی در منطقه غرب آسیا شود.

فروپاشی نظام دو قطبی منجر به بروز دو موج بی‌ثباتی منطقه‌ای در جهان شد: موج اول که مربوط به آغاز دهه ۱۹۹۰ بود و بر فضاهای جغرافیایی جنوب و غرب شوروی سابق نظیر آسیای مرکزی، قفقاز، بالکان و اروپای شرقی سایه افکند. این موج به تدریج به کنترل درآمد و فضاهای مزبور به نوعی آرامش نسبی دست یافتند (Koulai et al., 2016). موج دوم منطقه خاورمیانه را به ویژه در اوایل قرن بیست و یکم بی‌ثبات کرد که به طور فزاینده‌ای ادامه دارد. این بی‌ثباتی نتیجه رویارویی دو بازیگر عمده است که در یک طرف آن بازیگر برون منطقه‌ای و مشخصاً آمریکا قرار دارد که به دنبال کنترل امور این فضای جغرافیایی است و در طرف دیگر بازیگران درون منطقه‌ای قرار دارند که مجموعه‌ای از برخی دولت‌ها و ملت‌ها و نیز گروه‌های سازمان‌یافته را شامل می‌شود که لزوماً با یکدیگر همسو و متحد نیستند. این پدیده تا حدی بیانگر همان چیزی است که هانتینگتن از آن به رویارویی تمدن غرب و اسلام یاد می‌کند (Garmany & Paul, 2017). نتیجه این رویارویی و تقابل، توسعه بحران‌ها در خاورمیانه و تحول فرآیندهای ژئوپلیتیکی در آن است. مسأله فلسطین و اسرائیل و لبنان، مسأله کردستان، بحران عراق، مسأله افغانستان، بحران امنیتی پاکستان، بحران رویارویی ایران و آمریکا، مسأله مشروعیت حکومت‌ها، گسترش اندیشه‌های بنیادگرایانه، توسعه شکاف‌های عربی-ترکی و ایرانی یا به عبارتی مثلث شکاف، بحران ناامنی و ترور و غیره مصادیق مشخص آن می‌باشند. این بحران‌ها پتانسیل لازم را برای توسعه بی‌ثباتی، ناامنی و تحول فراهم می‌کنند.

مسأله کردستان عراق که موضوع این پژوهش است اگر چه سابقه دیرینه‌ای دارد ولی پس از شکست صدام از نیروهای ائتلاف در سال ۱۹۹۱ و نیز سقوط دولت بعث در عراق پس از حمله آمریکا و انگلیس در سال ۲۰۰۳، به صورت یک پدیده ژئوپلیتیکی فعال در منطقه و جهان ظاهر گردید، و نوعی حکومت خودگردان کردی را در شمال عراق شکل داد (Basiri et al., 2017). و مناطق کردنشین کشورهای همسایه در خاورمیانه را نیز دستخوش تحولاتی نمود که از سیر فزاینده برخوردار می‌باشد.

عراق کشوری است که از بدو استقلال خود تا به امروز، درگیر گسل‌های قومی و مذهبی بوده و این واقعیت، تنش‌های دامنه دار شدیدی را میان شهروندان عراقی برانگیخته است. یکی از این گسل‌ها، که بر مبنای شکاف‌های قومیتی به وجود آمده، گسل کردی است که در مقاطع تاریخی مختلف در عراق فعال شده و گاه تا سطح جنگ داخلی هم پیش رفته است. در گذر زمان، تجزیه‌طلبی کردی توانست با تأسیس یک اقلیم خود مختار، مرکزی برای فعالیت‌های خود بنا کند که دامنه اهداف و اقداماتش، نه تنها مناطق کردنشین عراق، بلکه مناطق کردنشین در ایران و ترکیه را هم در بر می‌گرفت. این موضوع باعث می‌شد که گسل کردی در عراق تشدید و سپس به مناطق همجوار سرایت پیدا کند.

از لحاظ جمعیتی، آمار درست جمعیتی درباره کردها وجود ندارد و آنچه در منابع مختلف آمده است توأم با اغراق و یا تخمین است (Monti & Hadian, 2019; Olson, 2015). اما اقلیم کردستان عراق ۷۴۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت و حدود ۶ میلیون نفر جمعیت دارد که شامل استان‌های اربیل، سلیمانیه، دهوک و برخی از قسمت‌های استان‌های نینوا، تمیم و دیاله است (Abdollahpour et al., 2017). این جمعیت که در نواحی مرزی چهار دولت همجوار ساکن اند، به لحاظ جغرافیایی، فرهنگی و حتی خویشاوندی به یکدیگر پیوسته‌اند. و محل سکونت

آن‌ها هارتلند هیدروپلیتیک غرب آسیا است و منابع مهم نفتی را نیز در بر دارد. بنابراین رشد و موفقیت گرایش جدایی‌طلبانه در میان گروهی از کردهای منطقه، می‌تواند همتایان آن‌ها را در پیروی از روندی مشابه تشجیع نماید و از همین رو، بسیاری از بازیگران نگاه منفی به این ماجرا دارند (Mills, 2016). یکی از نقاط اوج در فعالیت‌های تجزیه‌طلبانه اقلیم کردستان عراق، در مهر سال ۱۳۹۶ خورشیدی رقم خورد که در آن، فراندومی برای ایجاد کشور مستقل کردستان برگزار شد و طبق آمار منتشره، اکثریت به آن رأی مثبت دادند. البته، این همه‌پرسی تجزیه‌طلبانه نهایتاً در اثر ورود بازیگران عراقی و منطقه‌ای و در سایه سکوت بازیگران فرمانطقه‌ای، ناکام ماند. این ناکامی، ضربه‌ای بزرگ به نگرش‌های جدایی‌طلبانه در اقلیم کردستان وارد آورد و حداقل در میان مدت تأثیری شگرف در ترسیم آینده نقشه سیاسی و جغرافیایی عراق ایفا نمود.

کشورهای همجوار اقلیم کردستان به ویژه ایران و ترکیه که دارای اقلیت‌های قومی کرد هستند، برای حفظ تمامیت ارضی خود، روی خوشی به همه‌پرسی اقلیم کردستان نشان ندادند؛ چرا که هر گونه تحول سیاسی فضایی در این منطقه، به دلیل تعلقات ژئوپلیتیکی، بر مناطق کردنشین این کشورها اثر می‌گذارد. این کشورها از روزی که رهبران کرد به خصوص مسعود بارزانی تهدید به جدایی کردند و بحث همه‌پرسی را پیش کشیدند، موجی از مخالفت سیاسی و رسانه‌ای و تحرکات دیپلماتیک به راه انداختند. مسئله استقلال و جدایی‌طلبی کردها در اقلیم کردستان، به اندازه‌ای برای کشورهای همجوار مهم بود که حتی اختلافات ایدئولوژیک و جبهه‌گیری آن‌ها را نیز تحت‌الشعاع قرار داد؛ برای مثال، ترکیه تا چند سال پیش، از هلال شیعی و آثار بد آن در منطقه سخن به میان می‌آورد و در ضدیت با دولت مرکزی عراق با بستن قراردادهای نفتی و گازی، اقدام به صدور نفت و گاز اقلیم کردستان می‌کرد؛ یا در جریان جنگ داخلی سوریه همواره خواهان نابودی نظام حاکم بر سوریه و بشار اسد رئیس‌جمهور این کشور بود، اما به دلیل ترس از استقلال یا حداقل خودمختاری کردهای سوریه که مورد حمایت آمریکا و ناتو هستند، در موضوع سوریه به یکباره تغییر راهبرد داد و از جبهه آمریکا، عربستان و اسرائیل، به جبهه ایران و روسیه پیوست. هدف ترکیه این بود که از یک سو به کمک ایران خطر استقلال کردهای عراق را خنثی کند و از سوی دیگر با نزدیک شدن به روسیه، ضمن کنترل کردهای سوریه، زنگ خطر را برای ناتو و آمریکا به صدا در آورد.

تأثیر تحولات کردها بر روابط ایران و ترکیه

مساله کرد یکی از موضوعات مهم در روابط دوجانبه ایران و ترکیه می‌باشد. این مساله هم می‌تواند به عنوان زمینه‌ای برای همکاری و هم زمینه‌ای برای چالش شناسایی شود. مساله کرد و اتهامات متقابل دو کشور مبنی بر حمایت طرف مقابل از گروه‌های مخالف کرد به ویژه ادعاهای مقامات ترکیه تا قبل از آغاز قرن بیست و یکم مبنی بر حمایت ایران از پ ک ک تا دوران اخیر همواره از مهم‌ترین عوامل در تضعیف روابط دوجانبه بوده است. اقدامات متعدد ایران علیه پ ک ک تا قبل از ۱۹۹۹ هرگز نتوانست دولت ترکیه را قانع کند. در دوره جدید اگرچه دو کشور همکاری گسترده‌ای را در این زمینه آغاز کرده اند اما امکان برهم خوردن این وضعیت و استفاده یکی از کشورها از عنصر کرد به عنوان اهرم فشار علیه دیگری همچنان پابرجا می‌باشد (Dehghani Firouzabadi & Fathi, 2019). از آنجایی که ترس ترکیه از جدایی طلبی کردها بسیار زیاد است واکنش ترکیه به آن به شدت خشن و عموماً با استفاده از ابزار نظامی بوده است. در نقطه مقابل ایران نگرانی چندانی از بابت مساله کردها ندارد. به نظر می‌رسد نیاز ترکیه به ایران در مساله کردها خیلی زیادتر از نیاز ایران به ترکیه است. نگاهی به سیر فعالیت کردها در منطقه نشان می‌دهد که بیشترین نگرانی از ناحیه جدایی طلبی کردها متوجه ترکیه است. ترکیه به شدت نگران استفاده همسایگانش از کردها به عنوان اهرم فشاری علیه این کشور است. بدون شک یکی از مهم‌ترین حوزه‌های همکاری در روابط ایران و ترکیه، مساله کردها می‌باشد.

دلایل پیدایش و پیشینه حزب کارگران کردستان ترکیه (pkk)

سرکوب‌های دهه ۱۹۲۰ و ۳۰ در ترکیه به قدری سنگین بود که کردها تا ۴ دهه توان مبارزه جدی نداشتند. گرچه در فضای باز بین کودتاها فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی انجام می‌دادند اما هیچ نتیجه‌ای که حاصل نمی‌شد بلکه هزینه‌ای هم بر نیروهای فعال کرد تحمیل می‌شد. دهه‌های سرکوب و انکار هویت کرد میراثی از خشم و نفرت در جامعه کرد بر جای گذاشت که (پ ک ک) سرپوش آن را برداشت و بر سر جنگ طلبان فریاد خشم برآورد. پ ک ک مهم ترین، کارآمدترین و پایدارترین سازمان کردی است که برای بیش از ۳۰ سال هدایت جنبش کردی را در ترکیه بر عهده داشته است که همه اینها مدیون تلاش‌ها و زحمات رهبر آن یعنی عبدالله اوجالان است (Dehghani Firouzabadi & Khediri Varyk, 2013; Tabatabai, 2017; Firouzabadi & Fathi, 2019). با توجه به برنامه ریزی حزب کارگران کردستان ترکیه می‌توان گفت اهداف و استراتژی پ ک ک دو نوع است.

اهداف سیاسی شامل

۱- ارائه راه‌های سیاسی نوین به مردم ترکیه

۲- درخواست حق تعیین سرنوشت مردم کرد و استمداد از محافل بین المللی و دولت‌های منطقه

۳- سرو سامان دادن به اوضاع سیاسی و اجتماعی ترکیه در مورد اقلیت‌ها

اهداف نظری:

۱- تاکید بر مفهوم عام انسانیت به ویژه در ضدیت با از خود بیگانگی و سلطه حاکمیت خصوصی بر منافع اجتماعی

۲- توجه به آزادی‌های حقیقی و حقوق زنان؛

۳- توجه به میراث فرهنگی بشر و حفظ محیط زیست؛

۳- رویکرد عینی‌تر بر مبنای نظام اندیشگی در سوسیالیسم انسان‌گرا و عمل‌گرا؛

پ ک ک از پرسابقه ترین، با نفوذترین و تندروترین جریان‌های کردی ترکیه است. این حزب اگرچه در مرام نامه خود تاکید دارد که امکان حل دموکراتیک مساله کردهای ترکیه وجود دارد، اما با اشاره بر انعطاف ناپذیری دولت ترکیه در به رسمیت شناختن حقوق کردها مبارزه مسلحانه را برگزیده و آشکارا هدف تجزیه ترکیه را در پیش گرفته است. پ.ک.ک از ایده تشکیل کردستان بزرگ حمایت می‌کند و در این راستا با احزاب رادیکال کرد در عراق سوریه و ایران نزدیکی دارد. تاسیس این حزب به گروه‌های شاخه جوانان انقلابی دانشجویان (عمدتا کرد و بعضا ترک) دانشگاه‌های ترکیه در سال ۱۹۷۴ باز می‌گردد. رهبر این جنبش دانشجویی عبدالله اوجالان فارغ التحصیل دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آنکارا است. این انجمن در آغاز انجمن تحصیل کردگان دموکرات وطن پرست آنکارا نامیده می‌شد. این گروه پس از آغاز تبلیغات خود از سال ۱۹۷۵ در کردستان ترکیه رسماً در نوامبر ۱۹۷۸ اعلام موجودیت کرد. پس از کودتای سال ۱۹۸۰ و به دنبال ممنوعیت فعالیت احزاب پ ک ک مجبور شد خارج از مرزهای ترکیه به فعالیت بپردازد. پ ک ک به دنبال برگزاری دومین کنگره خود در سال ۱۹۸۲ تصمیم به آغاز مبارزه مسلحانه با دولت ترکیه در جهت رسیدن به اهداف خود گرفت. این حزب خود را مارکسیست - لنینست معرفی کرده و تئوری اصلی خود را اینگونه مطرح می‌نماید.

حزب کارگران کردستان از سال ۱۹۸۸ ضمن طرح نظریه تشکیل یک دولت مستقل کردی از سهم مساوی تمامی کردها در چنین دولتی سخن به میان می‌آورد. حزب کارگران کردستان در اوایل دهه ۱۹۹۰ با اعلام آتش بس با دولت ترکیه تصمیم به فعالیت‌های سیاسی و تبلیغاتی گرفت و در همین راستا در انتخابات سال ۱۹۹۱ پارلمان ترکیه تعداد قابل توجهی از کاندیداهای مورد حمایت پ ک ک موفق به ورود به پارلمان شدند. این نمایندگان در پارلمان اقدام به تشکیل ائتلافی به نام حزب دسترنج خلق نمودند که پس از مدتی با لغو مصونیت سیاسی نمایندگان آن‌ها به خارج از کشور فرار کردند. در طول سال‌های دهه ۱۹۹۰ اگرچه سیاست‌های اعلانی پ ک ک انجام فعالیت‌های سیاسی و تبلیغاتی بر

علیه حکومت ترکیه بوده اما این حزب همواره درگیری‌های گسترده‌ای با ارتش ترکیه داشته است (Farahmand & Sami'i, 2018; Koulai et al., 2016).

زمینه‌های تاریخی بحران کردستان در روابط ایران و ترکیه

پس از فروپاشی امپراطوری عثمانی و حکومت قاجار حکومت‌های جدید جمهوری ترکیه و سلطنتی پهلوی تاسیس شدند. این دو حکومت نوین‌یاد رویکرد و استراتژی متفاوتی در مقایسه با حکومت‌های پیشین خود در سیاست خارجی اتخاذ نمودند که مبتنی بر رعایت اصول حسن همجواری در منطقه و تلاش برای صلح در جهان خارج بود. با توجه به سیاست خارجی صلح آمیز حکومت رضاشاه و جمهوری ترکیه انتظار می‌رفت آن‌ها در مقایسه با حکومت‌های عثمانی و قاجار مسائل تنش‌زا را حل نموده و روند روبه گسترش و صلح آمیزی در روابط سیاسی خود داشته باشند. اما مساله‌ای به وجود آمد که روابط سیاسی آن‌ها را به شدت تحت تاثیر قرار داد. آن مساله استقلال کردهای ترکیه بود. کردها پس از تحقق نیافتن خواسته‌های خود شورش آارات را در سال ۱۳۰۶ در کوهی به همان نام، واقع در شمال شرق کردستان ترکیه و شمال غرب ایران که مرز این دو کشور از وسط این کوه می‌گذشت سازماندهی کردند. شورش مزبور به بحرانی‌ترین مساله داخلی آن روز ترکیه تبدیل شد اما با همکاری غیر مستقیم ایران و با شکست کردها به پایان رسید (Farzinrad et al., 2019). شورش آارات در مناسبات ایران و ترکیه تاثیر خود را بر جای گذاشت و برای مساله کرد نیز مبداء تاریخی تازه‌ای است. این واقعه منتهی به انعقاد موافقت نامه مرزی بین دو کشور شد که در ۲۲ ژانویه ۱۹۳۲ به امضاء رسید و با اصلاحاتی جزئی که در سال ۱۹۳۷ در آن به عمل آمد، هنوز همچنان به قوت خود باقی است. به موجب پیمان مرزی سال ۱۹۳۲ نیاز ترکیه به نظارت بر دامنه شرقی کوه آارات که کردها طی شورش با اطمینان در آن مستقر شده بودند تامین شد و دامنه‌های مزبور به ترکیه داده شد. در عوض باریکه‌هایی از اراضی نزدیک قطور و بازرگان به ایران داده شد. در سال ۱۹۳۷ اصلاحاتی به سود ایران واقع در غرب ارومیه در پیمان مزبور به عمل آمد (Olson, 2015). از می ۱۹۳۲ تا انقلاب ایران در ۱۹۷۹، آنکارا و تهران هیچ‌گاه از جنبش‌های کردی که در درون کشور همسایه فعال بودند رسماً حمایت نکردند. پس از انقلاب اسلامی در ایران هر دو دولت به کرات اعلام کردند که از سازمان‌های ملی‌گرای کرد در درون کشورهای یکدیگر حمایت نمی‌کنند. مهم‌ترین مشکل در روابط آنکارا و تهران در رابطه با مساله کرد، پس از جنگ اول خلیج فارس در ۱۹۹۱ یک سلسله لشکرکشی‌های نظامی از جانب ترکیه به شمال عراق برای سرکوب کردن نیروهای پ.ک.ک بود که تا سال ۲۰۰۰ ادامه یافت. در همان حال ترکیه به ایران و سوریه اطمینان داد که هدف ترکیه از پیشروی در شمال عراق سرکوب اعضای پ.ک.ک است. هر چند که ایران، ترکیه را متهم کرد که قصد دارد نیروهای خود را در منطقه حائل مرزی در شمال عراق نگه دارد. با وجود این از اکتبر ۱۹۹۲ کارشناسان امنیتی دو کشور ملاقات‌های منظم خود را آغاز کردند. هر دو کشور در ممانعت از ورود شمار زیادی از کردها از مرزهایشان منافع مشترکی داشتند. اما در اوت ۱۹۹۴ بار دیگر تنش بین دو کشور بر سر قضیه پ.ک.ک در گرفت و آن زمانی بود که آنکارا باز ایران را به حمایت از پ.ک.ک متهم کرد. ترک‌ها مدعی رابطه پ.ک.ک با سرویس‌های اطلاعاتی ایران بودند و ایران را متهم کردند که به اعضای پ.ک.ک در خاک خود آموزش می‌دهد و اسلحه و مهمات در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد. اما هنوز هم دغدغه ناشی از پیدایش دولت کرد در منطقه دو کشور را به همکاری وامی داشت. تنش در روابط ایران و ترکیه در ۴ ژوئن ۱۹۹۷ بار دیگر به خاطر مساله کردها بالا گرفت و این زمانی بود که ترکیه اعلام کرد پ.ک.ک با موشک‌های زمین به هوای سام هفت روسیه دو بالگرد ترکیه را سرنگون کرده و همه سرنشینان آن‌ها را کشته است. اتهام ترکیه مبنی بر اینکه به احتمال قریب به یقین این موشک‌ها را ایران در اختیار پ.ک.ک قرار داده روابط دو کشور را تحت تاثیر خود قرار داد.

ترک‌ها مدعی بودند که ایران به رغم موافقت نامه‌های مرزی، مایل نیست پ.ک.ک را رها کند و این برگ برنده‌ای است که ایران آشکارا احساس می‌کند در تقویت جایگاه خود در شمال عراق در قبال ترکیه بدان نیاز دارد (Koulai et al., 2016). به قدرت رسیدن حزب عدالت

و توسعه در ترکیه باعث شد که ایران و ترکیه فصل جدیدی در روابط با یکدیگر را شروع کنند. سیاست‌های اصلاح‌گرایانه حزب حاکم ترکیه در سالهای گذشته یکی از مهم‌ترین علل ارتقاء روابط ایران و ترکیه بوده است. سیاست‌های اصلاحی اردوغان باعث شد که اقلیت‌های قومی (خصوصاً کردها) و اقلیت‌های دینی (علوی‌ها و طریقت‌های مذهبی) طرفدار او شده و به حامیان پروپاقرص حزب عدالت و توسعه تبدیل شدند. دولت اردوغان نخستین دولتی بود که حالت فوق‌العاده را در کردستان ترکیه لغو کرد ولی در عین حال در مقابل گرایش‌های جدایی طلبانه کردهای ترکیه ایستاد. دولت اردوغان در مبارزه با کردهای ترکیه که در شمال عراق پناه گرفته بودند هرگز از خود تعلل نشان نداد. در این زمینه همکاری بسیار مناسبی با ایران آغاز کرد و در خصوص تامین امنیت مرزها و حتی مبارزه با تروریسم (که منظور آن کردهای جدایی طلب بود) به توافقاتی با ایران دست یافت. برگزاری کمیسیون امنیتی مشترک میان دو کشور برای تامین امنیت مرزها و مبارزه با تروریسم کردی که منجر به امضای یادداشت تفاهم‌های متعددی در این زمینه شده، نیز در این راستا قابل ذکر است (Padrovorand & Zanganeh, 2019).

ملاحظات ژئوپلیتیک و نگرانی از حضور رقبای منطقه‌ای در اقلیم کردستان

رقابت ایران و ترکیه با رقبای ژئوپلیتیک آن‌ها تا حد زیادی در رویکردشان نسبت به اقدامات استقلال طلبانه اقلیم کردستان مؤثر میباشد که این امر موجب نگرانی‌های بسیاری برای دو کشور شده است. در واقع واکنش و رویکرد جمهوری اسلامی ایران و دولت ترکیه به یک دولت مستقل کردی تحت تأثیر روابط آن‌ها با جمعیت کردی خود و ادراک شان در مورد قصد قدرتهای خارجی در منطقه کردستان عراق است. در طول قرن بیستم اتحاد جماهیر شوروی و عراق از کردهای ایران به عنوان اهرمی برای رسیدن به قدرت منطقه‌ای استفاده می‌کردند (Kavalek, 2016). دولت سوریه نیز به دلیل اختلافات خود با ترکیه طی چندین دهه برخی از جنبشهای سیاسی مخالف آنکارا، از جمله «پ.ک.ک» را مورد حمایت قرار داده و به طور متناوب از این گروه به عنوان اهرم فشار علیه دولت ترکیه استفاده کرده است هر چند در سالهای اخیر عراق متحد اصلی ایران بوده و سوریه نیز به دلیل تأثیرات ناشی از بهار عربی در شرایطی نیستند از این اهرم در قبال ایران و ترکیه استفاده کنند. اما این شرایط برای دیگر رقبای منطقه‌ای دو کشور همچنان پابرجاست و دور از ذهن نخواهد بود که از این اهرم برای ایجاد بحران و بی ثباتی در دو کشور استفاده کنند بر این اساس در حالی که شرایط برای ایران و ترکیه ایده آل پیش نمی‌رود، اما دو کشور به دلیل فرصت‌های اقتصادی ایجاد شده در اقلیم و نیز کنترل تأثیرات گسترده استقلال اقلیم بر نواحی کردنشین خود نمی‌خواهند دولت اربیل را دلسرد کنند و فضای بیشتری را برای رقبای منطقه‌ای خود از جمله اسرائیل و عربستان و کشورهای فرامنطقه‌ای همچون آمریکا برای مانور در یک کشور جدید در مرزهای خود فراهم کنند. از آنجایی که حضور رقبای منطقه‌ای دو کشور در اقلیم کردستان می‌تواند امنیت منطقه‌ای آن‌ها را با چالش مواجه سازد در ادامه این مقاله برای درک بهتر تبعات امنیتی استقلال کردستان برای دو کشور به بررسی حضور و نفوذ رقبای منطقه‌ای آن‌ها در اقلیم کردستان و واکنش جمهوری اسلامی ایران، ترکیه، دولت مرکزی عراق و سوریه پرداخته خواهد شد.

تأثیر تحولات سیاسی و ژئوپلیتیک کردستان عراق بر امنیت منطقه و ایران

با تشکیل منطقه خودمختار کردستان در شمال عراق موضوع قوم کرد در منطقه خاورمیانه به یکی از مسائل اصلی در سیاست خارجی کشورهای منطقه به ویژه کشورهای با اقلیت کرد تبدیل شده و جایگاه خاصی در روابط متقابل و منطقه‌ای کشورهای منطقه و حتی فرامنطقه‌ای پیدا کرده است، تشکیل دولت منطقه‌ای کردستان عراق بر روابط کشورهای منطقه سایه افکنده است. اکنون کردهای سوریه، ایران و ترکیه نیز متأثر از تحولات شمال عراق با رویکرد نوینی به دنبال دستیابی به آرمان‌های خود هستند. بدیهی است با توجه به وضعیت خاص جمهوری اسلامی ایران در همجواری با منطقه کردستان عراق، در صورت بی توجهی به اهمیت این موضوع تهدیدات امنیتی و سیاسی از این ناحیه متوجه کشورمان و دیگر کشورهای کردنشین منطقه خواهد شد.

بوزان مجموعه امنیتی منطقه‌ای را به صورت یک دسته از کشورهای با شبکه‌ای از روابط امنیتی متمایز که اعضا دارای سطح بالایی از وابستگی متقابل امنیتی هستند توصیف می‌کند. یک گروه از کشورها که نگرانی‌های امنیتی اولیه و اصلی آن‌ها به اندازه‌ای بهم پیوسته است که در واقع تصور امنیت ملی آن‌ها جدا از یکدیگر ممکن نیست. بنابراین عنصر مرکزی و محوری در مجموعه‌های امنیتی روابط امنیتی آن و مؤلفه‌های وابستگی متقابل است که به امنیت مربوط می‌شود. مجموعه امنیتی ایران، ترکیه و دولت مرکزی عراق و تاحدودی سوریه را می‌توان از این منظر یک مجموعه امنیتی دانست که به دلیل داشتن اقلیت کرد دارای تهدید مشترک و منطقه جغرافیایی واحد می‌باشند نگرانی‌های جمهوری اسلامی ایران و دیگر اعضای این مجموعه امنیتی از ناحیه اقلیم کردستان و تحولات آن عبارتند از:

۱) نگرانی در خصوص افزایش نفوذ و تأثیرات کردستان عراق بر مناطق کردنشین ایران و افزایش سطح مطالبات سیاسی کردهای ایران و به تبع آن کردهای ترکیه و سوریه؛

۲) وجود پایگاه نظامی، مقرها و دفاتر سیاسی احزاب اپوزیسیون مسلح کرد در کوهستان‌های قندیل و تهدیدهای دائمی کشورهای ایران ترکیه و دولت مرکزی عراق؛

۳) حضور و نفوذ قدرتهای رقیب و یا معارض جمهوری اسلامی ایران در اقلیم کردستان؛ از جمله اسرائیل و آمریکا که برای کشورهای منطقه تهدید بزرگی می‌باشند (Ababakr, 2020; Farzinrad et al., 2019).

ایران ضمن تأکید بر راهبرد حفظ تمامیت و یکپارچگی عراق به طور آشکار و پنهان فعالیت گسترده‌ای برای کسب تعهد طرفهای مختلف عراقی از جمله کردها به حفظ این مسأله داشته است؛ اصرار برخی گروه‌های کرد در اقلیم کردستان عراق بر برگزاری همه‌پرسی استقلال به یکی از مهمترین بحثها در سطح منطقه و حتی فرمانطقه تبدیل شده بود طی سال‌های اخیر راهبرد اصلی ایران در قبال عراق دارای مؤلفه‌هایی بوده است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها تأکید و تلاش برای «حفظ تمامیت ارضی» و مخالفت با تجزیه این کشور بوده است؛ به نحوی که آن را خط قرمز خود اعلام داشته است.

اعلام همه پرسی استقلال در اقلیم کردستان توسط مسعود بارزانی، علاوه بر مقامات ایران که با تجزیه عراق به شدت مخالفت کردند خشم ریاست جمهوری ترکیه اردوغان را نیز برانگیخت و از طرح منطقه اقلیم کردستان عراق برای همه پرسی استقلال به شدت انتقاد نمود. درست است که همواره عدم دخالت در امور داخلی کشورهای دیگر یکی از اصول سیاست خارجی ایران بوده است اما از طرف دیگر برخی از موضوعات داخلی کشورهای همسایه با توجه به پیوستگی آن با مناطق دیگر نمی‌تواند صرفاً به عنوان یک مسأله داخلی تفسیر شود. مسأله کردها نمونه‌ای از مسائل داخلی با تأثیرات منطقه‌ای و بین‌المللی است. به همین دلیل نگاه ایران به این مسأله، تابعی از شرایط امنیتی و نظم منطقه‌ای است.

در جریان اجرای طرح همه پرسی اقلیم کردستان عراق تحریم اقتصادی و بستن مرزها با همراهی ترکیه، دولت مرکزی عراق و سوریه (مجموعه امنیتی منطقه‌ای مذکور) به عنوان یک اهرم فشار مد نظر جمهوری اسلامی ایران بوده است؛ هر چند با توجه به حجم نسبتاً بالای تجاری میان دو طرف قطع مناسبات تجاری و اقتصادی کار ساده‌ای نیست. همچنین مهمترین ابزار دولت مرکزی در اعمال فشار اقتصادی علیه اقلیم، سهمیه ۱۷ یا ۲۰ درصدی بودجه سالیانه اقلیم است چون از این ابزار در مقاطعی استفاده شده و تأثیر گذار بوده است و در مسأله همه پرسی نیز می‌تواند کارایی داشته باشد (Pour Ahmadi Meybodi & Qiyasi, 2020).

دولت عراق نیز به وضوح اعلام کرد که در هیچ صورتی نتایج رفتارندوم را نپذیرفته و در صورت لزوم از اهرم نظامی استفاده خواهد کرد. در این مرحله جمهوری اسلامی با همکاری جبهه مخالفان؛ (همانند مجموعه امنیتی منطقه‌ای طبق نظریه کپنهاگ) دولت مرکزی عراق، ترکیه و نیز سوریه با اتکا به ابزارهای موجود به ویژه در بعد سیاسی و دیپلماسی همچنان قادر به ممانعت یا حداقل تأخیر در تحقق استقلال کردها

می‌باشد. این حرکت مشترک کشورهای مذکور که دارای نقطه اشتراک در داشتن اقلیت کرد و تهدید از سوی کردستان عراق به تجزیه طلبی و احیای کردستان بزرگ در گام بعدی بوده بر اساس یافته‌های مجموعه امنیتی بوزان و مکتب کپنهاگ که شرایط پنج گانه وابستگی متقابل امنیتی، الگوی دوستی و دشمنی وجود حداقل دو بازیگر قدرتمند (همانند ایران و ترکیه)، استقلال نسبی و مجاورت را شامل می‌شود، عینیت پیدا نموده و بر همان اساس مجموعه امنیتی منطقه‌ای مذکور که اشاره شد توانستند از ادامه روند همه‌پرسی کردستان عراق جلوگیری و تهدید را در نطفه خفه کنند (Ababakr, 2020; Sazmand, 2010). تحولات چند سال اخیر کشور عراق به ویژه تشکیل حکومت ناحیه‌ای کردستان در شمال آن کشور به دلیل مجاورت با نواحی کردنشین ایران و وجود پیوندهای متقابل قومی و فرهنگی بین کردهای دو کشور برای ایران حائز اهمیت بوده است. افزایش توجه به فرهنگ و هویت کردی، تبدیل شدن کردستان عراق به عنوان محور و کانون مباحث کردی، ارتقای سطح مطالبات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی از جمله نموده‌های این تأثیرات به شمار می‌روند. از سوی دیگر تهدیدهای ناشی از حضور سیاسی و نظامی اسرائیل و آمریکا در اقلیم کردستان و مصمم بودن رهبران کرد اقلیم در برپایی مجدد فراندن استقلال و تبدیل کردستان به کشوری واحد این منطقه را به کانون بحران منطقه‌ای و جهان تبدیل نموده است. تحریک کردهای منطقه و عنوان شعارهای تجزیه طلبانه و قوم‌گرایانه در سطح منطقه و طرح برپایی کردستان بزرگ شامل تمامی کردهای مستقر در ایران، ترکیه، سوریه و... که از تلویزیون، مطبوعات و دیگر رسانه‌های کردستان پخش می‌گردد تهدیدهای جدی علیه جمهوری اسلامی ایران و ثبات منطقه محسوب شده و امنیتی شدن رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در خصوص این مسئله را به دنبال دارد.

ذیلاً به اختصار به پاره‌ای از تهدیدات امنیتی و سیاسی که از ناشی از تحولات کردستان عراق بوده می‌پردازیم.

حضور اسرائیل و آمریکا در کردستان عراق به عنوان تهدید بزرگ امنیتی علیه ایران و منطقه

نفوذ اسرائیل در کردستان عراق در واقع تداوم استراتژی امنیت ملی و سیاست خارجی اسرائیل در خاورمیانه برای خروج از انزوا و تسلط بر این منطقه است. این مسأله در پرتو تحولات نوین در کردستان عراق و خلع قدرت ایجاد شده پس از سقوط صدام در سال ۲۰۰۳ م، زمینه مناسبی برای توسعه حضور و نفوذ اسرائیل در کردستان عراق فراهم آورده است. با استفاده از بستر و فرصت ایجاد شده اسرائیل روابط پنهان و گسترده‌ای را با کردها آغاز کرده و با حضور مستقیم و یا غیر مستقیم در قالب فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، علمی و تاریخی در اقلیم کردستان به دنبال منافع و اهداف راهبردی چندی از جمله ایجاد متحد استراتژیک جدید در منطقه اهداف توسعه‌طلبانه خود است و این حضور به یک چالش امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران در زمان حال و آینده تبدیل می‌شود.

با توجه به تضاد ماهیتی و وجودی میان جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل، طبیعتاً همه اقدامات اسرائیل در اقلیم کردستان ذاتاً در تعارض با امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران قرار می‌گیرند که برخی از آنها مستقیماً در تعارض با امنیت ملی ج.ا.ا هستند و بعضی دیگر به واسطه عناصر غیر مستقیم، امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را مورد چالش قرار می‌دهند و تهدیداتی را برای ایران مطرح می‌سازد. روابط اسرائیل و کردها علاوه بر جنبه‌های آرمان‌گرایانه و تبلیغاتی مانند احساس مشترک حبس و آوارگی، حق تعیین سرنوشت، ضدیت با اعراب، بهبود اوضاع کردهای یهودی یا اشتراکات ژنتیکی و نژادی کردها و یهودیان و لزوم به دست آوردن حقوق از دست رفته تاریخی آنان و... منافع استراتژیک بسیاری را برای دو طرف به همراه دارد. حضور پنهان و آشکار اسرائیل و سرویس‌های اطلاعاتی آن در کردستان عراق به ویژه پس از فروپاشی رژیم بعث عراق، نشان دهنده برنامه‌های بلندمدت رژیم صهیونیستی در شمال عراق است. حتی اگر این حضور غیر رسمی یا موقت باشد، تهدیدی جدی ضد کشورها و ثبات منطقه محسوب می‌شود. اگرچه مسئولان اقلیم کردستان عراق وجود چنین روابطی را همواره انکار می‌کنند ولی نبود مستندات، نافی حضور و نفوذ اسرائیل در این منطقه هم مرز با سه دولت پرچالش برای اسرائیل یعنی ایران، سوریه و عراق نیست.

اسرائیل در کنار ایالات متحده آمریکا پیوسته جنگ نیابتی در داخل کردستان ایران را از طریق حمایت از پژاک و سایر سرمایه‌های کردی که بالقوه چنین امکانی دارند، به راه می‌اندازد. بر اساس اظهارات مقامات صهیونیستی، گزینه‌های مطلوب اسرائیل در عراق به ترتیب شامل حکومت وابسته و همسو با غرب، تقسیم عراق و تشکیل دولت کردی و دست کم نظام فدرالی است که اختیاراتی ویژه را برای خودمختاری کردها تأمین کند. بدین منظور با نگاهی به اقدامات رژیم صهیونیستی در عراق، به خصوص در شمال این کشور می‌توان به خوبی این مطلب را دریافت که صهیونیسم قصد دارد با الگوسازی جدید سیاسی در عراق علاوه بر پیگیری منافع و اهداف خود در این کشور نقشه سیاسی خاورمیانه را تغییر دهد تا فضای سیاسی و فرهنگی خاورمیانه برای تحقق اهداف بلندمدت اقتصادی و سیاسی صهیونیسم بین الملل فراهم شود (Farahmand & Sami'i, 2018). اسرائیل برای تثبیت موقعیت و حضور خود در شمال عراق به بهانه پیشینه حضور یهودیان در شمال عراق و بازگرداندن ۹۰ هزار یهودی کرد ساکن اسرائیل به سرزمین اصلیشان (عراق)، اقدام به خرید املاک و زمین در این منطقه نموده است. رژیم اسرائیل زمین‌های واقع در مناطق تحت سیطره بارزانی را خریداری می‌کند و پس از آموزش نظری و عملی این خانواده‌ها در اسرائیل آن‌ها را مجدداً به شمال عراق باز می‌گرداند (Basiri et al., 2017; Farahmand & Sami'i, 2018).

قاعده‌های کلی حاکم بر استراتژی رژیم صهیونیستی در برابر کردستان عراق عبارت بوده اند از:

(۱) سلب فرصت و محدودسازی حضور و نفوذ جمهوری اسلامی ایران در شمال عراق؛

(۲) حمایت از اپوزیسیون ایرانی در شمال عراق و مشغول سازی ایران در داخل و مجاورت مرزهایش؛

(۳) توسعه فعالیت جاسوسی در شمال عراق و کشورهای همجوار؛

(۴) تضعیف دولت مرکزی تجزیه عراق و تشکیل دولت مستقل کردی؛

(۵) تضعیف و مقابله با افزایش نفوذ جمهوری اسلامی ایران در منطقه به ویژه لبنان؛

حضور اسرائیل در شمال عراق و نزدیک شدن به مرزهای ایران برای رژیم صهیونیستی بسیار حایز اهمیت است. با رفت و آمد عوامل اسرائیل در کردستان عراق پایگاه‌های جاسوسی اسرائیل در مجاورت مرزهای ایران برپا خواهد شد. به ویژه آنکه منطقه کردستان عراق و ایران شرایط لازم را برای اجبر کردن عوامل محلی دارند. ایجاد پایگاه‌های شنود نزدیک مرزهای ایران تمامی مراکز مخابراتی ایران را تا محدوده‌ای وسیع در دسترس عوامل جاسوسی اسرائیل قرار خواهد داد تا یک جبهه امنیتی و اطلاعاتی در غرب ایران ایجاد کند. در واقع حضور اسرائیل در عراق به عنوان تهدیدی جدی و چرخشی مهم در موازنه ژئوپلیتیکی ایران می‌باشد که امنیتی شدن سیاست خارجی ایران را در پی خواهد داشت (Ahmadian et al., 2018; Akinci, 2017).

نتایج و پیامدهای منطقه‌ای همه‌پرسی در کردستان عراق

با وجود همه فشارها و مخالفت‌های داخلی منطقه‌ای و بین‌المللی سرانجام فراندوم استقلال اقلیم کردستان در ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷ برگزار گردید و از طریق اتحاد نسبی اکثر احزاب و جریان‌های سیاسی و سرسختی مسعود بارزانی با کسب ۹۲/۷ آراء موافق به سرانجام رسید. پس از برگزاری این همه‌پرسی، حکومت اقلیم با واکنش گسترده مخالفان داخلی فراندوم، بسته شدن مرزهای هوایی با همسایگانی چون ایران و ترکیه و درگیری میان نیروهای اقلیم و دولت مرکزی عراق در کرکوک روبرو گردیده است. مخالفان داخلی این رویداد سیاسی از طریق کانال‌های رادیویی و تلویزیونی به تشکیل کمپین «نه» و برگزاری میتینگ‌های مختلف پرداخته اند تا از این طریق مانعی بر سر راه جدایی کردستان و تجزیه عراق کردند (Dehghani Firouzabadi & Fathi, 2019). در بیان چرایی برگزاری این فراندوم دلایل متعددی را می‌توان ذکر کرد که هر کدام به تنهایی علت تامه انجام این فراندوم نیستند و مجموع آن‌ها فضای سیاسی امروز عراق را وارد بحران جدیدی کرده است.

وجود قوم‌گرایی افراطی و گسست با ملیت‌گرایی عراقی در میان کردهای عراق، برخورد‌های ناشایست حاکمیت مرکزی عراق در گذشته با کردها، اوضاع نامساعد اقتصادی، نابسامانی در وصول درآمد حاصل از فروش نفت و فساد اداری حاکم در این منطقه، تبدیل شدن رهبری اقلیم به چهره‌ای «کاریزماتیک» و تحریکات بیرونی (به خصوص رژیم صهیونیستی) سبب برگزاری referendum ۲۵ سپتامبر از سوی سیاست‌گذاران اقلیم گردید؛ اما در صورت کسب استقلال آینده مبهمی برای اقلیم کردستان در انتظار است. چراکه فضای سیاسی - اجتماعی امروز اقلیم، در مسائلی چون دموکراسی، بوروکراسی، امنیت، اقتصاد، سیاست، با مشکلات قابل توجهی روبروست که به واگرایی‌های داخلی آن دامن زده و منجر به از دست رفتن مشروعیت «مسعود بارزانی» تعطیلی پارلمان و تبعید رئیس آن افزایش فساد دولتی، حادث شدن اختلافات میان مسئولین قطع شدن حقوق بیش از یک میلیون کارمند و رکود فعالیت‌های تجاری و تقسیم نیروهای نظامی کرد میان دو حزب «دموکرات و اتحادیه میهنی» شده است (Dehghani Firouzabadi & Khediri Varyk, 2013; Dehghani Firouzabadi & Fathi, 2019).

در بعد منطقه‌ای نیز اگرچه وجود اختلاف و اصطکاک در سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی سه ضلع مثلث ایران، ترکیه و اعراب فرصتی مناسب برای کردهای عراق جهت انجام referendum و طی طریق با این کشورها فراهم می‌کند اما در صورت ایجاد ثبات در روابط بین آن‌ها مانع مهمی برای استقلال خواهی کردها ایجاد خواهد شد.

سناریوهای احتمالی:

میانجیگری بازیگر ثالث و کسب امتیاز اقتصادی و سیاسی در اداره مناطق مورد مناقشه و ایجاد سیستم کنفدرال در ازای کنار گذاشتن استقلال کردستان

با توجه به شرایط داخلی و منطقه‌ای اقلیم کردستان رهبران آن گزینه استقلال را همچنان مورد توجه قرار می‌دهند یا کنفدرالیسم را جایگزین آن خواهند کرد؟

مقایسه وضعیت اقتصادی اقلیم کردستان قبل از برگزاری همه‌پرسی و بعد از آن نشان می‌دهد که عملاً استقلال‌طلبی منطقه کردستان عراق به لحاظ اقتصادی به زیان آن تمام شده و افزایش بی‌ثباتی و نااطمینانی برای سرمایه‌گذاران خارجی و فعالان اقتصادی را بدنبال داشته است. در بعد سیاسی نیز گروه‌های کرد برای اعلام استقلال نظر واحدی ندارند و حوزه جغرافیایی برگزاری referendum و وضعیت مناطق مورد منازعه از جمله کرکوک از شفافیت لازم برخوردار نیست. تکرار مجدد پافشاری کردستان بر اجرایی کردن نتیجه همه‌پرسی یعنی جدایی از عراق و تداوم اقدامات تنبیهی دولت مرکزی علیه منطقه کردستان می‌تواند صورت پذیرد (Ahmadian et al., 2018; Farahmand & Sami'i, 2018). بارزانی، رئیس وقت منطقه کردستان عراق بارها اعلام کرد که برگزاری همه‌پرسی جدایی کردستان از عراق به منزله جدایی فوری این منطقه از عراق نخواهد بود بلکه این جدایی در یک فرآیند دو یا سه ساله رخ خواهد داد. در واقع این بازه زمانی دو یا سه ساله با هدف حل مشکلات طرفین از جمله مناطق مورد منازعه قبل از جدایی کامل مطرح شده است.

اما آنچه که بیش از هر چیز دیگری در تبیین علل برگزاری این referendum از سوی کردها به چشم می‌خورد حرکت کردها به سمت حکومت کنفدرال است. چراکه سران خود به شرایط داخلی اقلیم بویژه در بعد اقتصادی و همچنین عدم رضایت کشورهای همسایه و محدودیت‌های ژئوپلیتیکی اقلیم کردستان در رابطه با دسترسی به دریا و آبهای آزاد واقف هستند؛ بنابراین این اصرار نشان می‌دهد که کردها قصد دارند با توجه به ضعف حکومت مرکزی از موضوع استقلال به عنوان کارتی برای تحت فشار قرار دادن دولت مرکزی جهت به دست آوردن امتیاز کنفدرالی و همچنین تبلیغات سیاسی برای آرام کردن وضعیت نامطلوب اقلیم استفاده نمایند؛ و از این طریق گامی مهم به سمت استقلال

برداشته و طی یک برنامه کوتاه مدت یا میان مدت زیر ساخت‌های استقلال‌خواهی خود را فراهم نمایند. سپس طی یک پروسه قانونی و بدون ایجاد تنش بین‌المللی و با یک نظرخواهی مجدد از عراق جدا شوند؛ بنابراین یکی از مهمترین نتایج میانجیگری میان کردها و دولت بغداد، می‌تواند رسیدن کردستان به حکومت کنفدرالی باشد که گزینه مطلوب « بارزانی » نیز است (Kavalek, 2016; Koulai et al., 2016).

به لحاظ حقوقی دامنه اختیارات و صلاحیت‌های سیستم کنفدرالی گسترده‌تر از سیستم فدرالی است. در نظام کنفدرال هر یک از واحدهای تشکیل دهنده مستقل از یکدیگر عمل می‌کنند و تنها در مسئله ارتش، سیاست خارجی و بحث نفت مشترک عمل می‌کنند. نظام کنفدرال امکاناتی نظیر فروش قانونی نفت و گاز بدون نظارت بغداد، حل اختلافات ارضی با بغداد بر سر استان‌های کرکوک، نینوا، دپاله و صلاح الدین، اختصاص سهم عادلانه‌ای از منابع مالی دفاعی عراق و کنترل بیشتر روی روابط خارجی را برای کردها فراهم می‌کند. ضمن اینکه در این وضعیت، توسعه اقلیم کردستان به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و در پیش گرفتن برنامه‌های عمرانی آسان‌تر خواهد شد. چنین توافقی همکاری‌های کردها با بغداد را در جنگ علیه گروه‌های تروریستی مانند داعش یا شاخه‌های آینده آن آسوده خاطر می‌کند و امکان دسترسی زمینی عراق به اروپا از طریق کردستان و دسترسی به منابع حیاتی آب را که از کردستان به دیگر بخش‌های عراق جاری هستند، تضمین می‌کند.

هر چند بارزانی اعلام آمادگی جهت ورود به بحث تشکیل نظام کنفدرالی را کرده است، اما باید توجه داشت که ورود به چنین سناریویی بسیار سخت و مشکل می‌باشد؛ زیرا نظام سیاسی این کشور، فدرال بوده و حرکت در مسیر کنفدرالی شدن کردستان، اقدامی خلاف قانون اساسی عراق محسوب می‌گردد. با وجود این موانع و مشکلات وضعیت بحرانی منطقه که ظرفیت بحران دیگری را ندارد. سناریوی ایجاد کنفدرالیسم در عراق گذار به نوعی سیستم دو دولتی است که در یک طرف آن دولت عراق و در طرف دیگر دولت کردستان قرار می‌گیرد. این دو دولت با تمامی اختیارات یک دولت مستقل در کنار یکدیگر به صورت اختیاری در دولت عراق باقی می‌مانند و هر کدام از این دو در صورتی که تمایل داشته باشند در هر مقطعی می‌توانند به اتحاد اختیاری خود پایان دهند و تجزیه خود را از واحد دیگر اعلام کنند؛ بنابراین طرح کنفدرالیسم نه تنها موجب حفظ یکپارچگی عراق نخواهد شد بلکه بر اساس آنچه گفته شد در آینده‌ای کوتاه مدت موجبات استقلال کامل اقلیم از عراق و تجزیه این کشور را فراهم خواهد نمود.

اعلام استقلال کردستان عراق با وجود مخالفت‌های کشورهای عراق، ایران و ترکیه

در صورت اعلام استقلال کردستان، این مسئله خود منتج به پیامدهای سنگینی چون محاصره منطقه کردستان توسط عراق و کشورهای همسایه خواهد بود. امری که در سال ۲۰۱۷ تا حدودی به اجرا در آمد و دولت عراق در پی مصوبه مجلس همه مرزهای خود با منطقه کردستان را بست. دولت‌های ترکیه و جمهوری اسلامی ایران نیز حریم هوایی خود را به روی کردستان مسدود کردند. رئیس‌جمهور ترکیه با اعلام «تشدید تحریم‌ها علیه اقلیم کردستان در آینده» عنوان نمود که آنکارا نه تنها مرزهای خود با اقلیم کردستان عراق را به طور کامل می‌بندد بلکه دستور به منع صادرات نفت اقلیم کردستان از طریق اراضی اش را خواهد داد و در صورت لزوم از گزینه‌ای چون مداخله نظامی نیز استفاده خواهد کرد. جمهوری اسلامی ایران نیز مثل کشور همسایه خود، تحریم اقتصادی و بستن مرزها را به عنوان اهرم فشار مد نظر قرار داده است. این مسئله به قدری برای این دو کشور مهم می‌باشد که در کنار مواضع هشدار دهنده خود به سران اقلیم، سعی در افزایش هماهنگی‌های لازم در میان خود جهت مقابله با هر نوع خطر احتمالی در آینده داشته‌اند.

این کشورها معتقد هستند که توافقی‌های مرزی و هوایی صرفاً با محوریت دولت مرکزی بغداد پابرجا خواهد بود زیرا این توافقیها میان دولت عراق و این دولتها منعقد شده است. می‌توان یکی از مهم‌ترین دلایل روی آوردن دولت عراق و مخالفان جدایی کردستان به محاصره و تحریم هوایی و زمینی را تنگنای ژئوپلیتیکی کردستان عراق دانست. کردستان عراق با قرار گرفتن میان چهار کشور ترکیه، ایران، عراق و سوریه در خشکی محصور مانده و به آب‌های آزاد راه ندارد و استانهای نفت خیز کرکوک، موصل و قسمت‌های اعظم استان دیالی در نزدیکی مرز ایران

و ترکیه قرار دارد. بنابراین، کردستان برای تعامل اقتصادی و به خصوص فروش نفت باید از تنگنای ژئوپلیتیکی خارج شود که با توجه به مخالفت کشورهای همسایه با جدایی کردستان، خروج از این تنگنا امکان پذیر نیست.

برخی تحلیل‌گران، سرمایه‌گذاری نادرست و بی رویه، حجیم بودن دولت و تکیه بر اقتصاد نفتی را از نقاط ضعف اصلی اقلیم کردستان عراق می‌دانند؛ بنابراین محاصره و تحریم اقتصادی سبب افزایش مشکلات اقتصادی می‌شود که به گفته محققان ۸۵ درصد درآمد آن از طریق فروش نفت به دست می‌آید. انزوای دیپلماتیکی نیز یکی دیگر از پیامدهای اعلام فوری استقلال است؛ زیرا به استثناء رژیم صهیونیستی هیچ کشوری از جدایی کردستان از عراق حمایت نکرده و حتی سازمان ملل نیز با این موضوع مخالفت کرده است؛ بنابراین اگر اصرار بارزانی بر تشکیل کشور کردی ادامه داشته باشد، صرفاً سبب تضعیف جایگاه کردها در نظام جهانی و انزوای دیپلماتیک کردستان عراق خواهد شد.

از طرف دیگر تداوم تجزیه‌طلبی کردها، خشونت‌ها و درگیری‌های پراکنده درون مرزی میان کردها و اقلیت‌هایی نظیر ترکمن‌ها را به خصوص در مناطق مورد منازعه اجتناب‌ناپذیر می‌سازد و پافشاری بر ضمیمه کردن مناطق مورد منازعه به منطقه کردستان نیز زمینه بروز جنگ داخلی در عراق را تقویت خواهد کرد. الگوی رفتاری دولت عراق در برخورد با همه‌پرسی جدایی کردستان گویای این است که دولت مرکزی بغداد به دنبال ایجاد جنگ نیست؛ زیرا این کشور توانست با صرف هزینه‌های زیاد جنگ با تروریست‌های داعش را به پایان برساند. با این حال با توجه به اینکه مناطق مورد منازعه کردستان و دولت مرکزی عراق بخشی از منطقه کردستان نیستند و تحت کنترل دولت مرکزی بغداد قرار دارند و همچنین به دلیل اهمیت ژئوپلیتیکی این مناطق به خصوص کرکوک که پس از بصره بیشترین چاه‌های نفتی در این استان قرار دارد، در صورت ضمیمه کردن آن‌ها به اقلیم کردستان امکان جنگ میان کردها و دولت مرکزی افزایش می‌یابد.

علاوه بر پیامدهای یاد شده باید گفت که همه‌پرسی جدایی کردستان از عراق موضوعی صرفاً «عراقی» نیست، بلکه در سطح منطقه‌ای و به خصوص برای کشورهای ایران و ترکیه نیز حائز اهمیت است. هر یک از این کشورها همه‌پرسی جدایی کردستان از عراق را یک تهدید جدی می‌دانند. دولت «رجب طیب اردوغان» با داشتن دست کم ۱۵ میلیون جمعیت کرد نگران تبعات جدایی کردستان از عراق در ترکیه است. جمهوری اسلامی ایران نیز علاوه بر تاثیرگذاری این همه‌پرسی بر جمعیت کرد ایران، نگران نفوذ اسرائیل در منطقه کردستان و هم‌مرز شدن آن با جمهوری اسلامی ایران است. از این رو، تهران و آنکارا با قاطعیت با همه‌پرسی جدایی کردستان از عراق مخالفت کردند و حتی این موضوع سبب نزدیکی بیشتر دو کشور شد. بنابراین پس از همه‌پرسی در صورت عملی شدن نگرانی‌های داخلی ترکیه درباره تحرکات جدایی خواهانه جمعیت کرد و افزایش فعالیت «پ.ک.ک» علیه آنکارا و فعال شدن برخی احزاب معارض ایران مانند «کوموله» و «پژاک»، احتمال اتحاد و تقابل مخالفان علیه اقلیم کردستان عراق اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

علاوه بر مخالفت‌های کشورهای همجوار موانع و چالش‌های بین‌المللی مهمی در قبال استقلال کردستان وجود دارد که مانع تحقق خواسته‌های «بارزانی» می‌شود. قدرت‌های جهانی یعنی آمریکا، روسیه و اتحادیه اروپا در حال حاضر شرایط را برای برگزاری همه‌پرسی استقلال کردستان و تجزیه عراق نامناسب می‌دانند. از سویی دیگر مواضع برخی از کشورهای عربی همچون عربستان سعودی و اسرائیل در خصوص استقلال کردستان قابل توجه است عربستان سعودی به بهای تضعیف موقعیت ایران با پوشش مذهبی در قالب مبارزه با هلال شیعی، نه تنها مخالفتی با تجزیه عراق ندارند بلکه بستر ساز آن نیز شده است.

اسرائیل نیز با ایجاد زیر ساخت‌های فنی در منطقه کردستان به دنبال نفوذ سیاسی و امنیتی بیشتر در منطقه است و هدف کردها در نزدیکی به اسرائیل نیز جلب حمایت لابی یهود در آمریکا و کسب حمایت قطعی آمریکا از استقلال طلبی آنهاست.

در یک نتیجه کلی باید گفت که اعلام استقلال کردستان عراق از طرفی موجب ایجاد هزینه‌های غیر قابل پرداخت داخلی و در نتیجه شکنندگی اوضاع امنیتی داخل اقلیم کردستان شده و از سوی دیگر در بعد خارجی کردستان را با بحرانهای اقتصادی و امنیتی روبه رو خواهد کرد که هر

یک به تنهایی پتانسیل شروع دور دیگری از زد و خوردهای منطقه‌ای و رشد گروه‌های تروریستی در منطقه بین النهرین و از جمله کردستان خواهند بود. در واقع ادامه حیات کردستان مستقل به دست همسایگان آن است و کردستان عراق بدون هماهنگی با آن‌ها نمی‌تواند به راحتی مسیر استقلال را طی کند.

نتیجه‌گیری

کردهای عراق از زمان تأسیس این کشور در سال ۱۹۲۰ از انضمام به عراق ناراضی بودند و همواره برای رسیدن به استقلال، با بریتانیا و حکومت مرکزی عراق درگیری داشتند. به همین دلیل شورشهای مختلفی علیه خاندان پادشاهی فیصل، عبدالکریم قاسم، برادران عارف و حکومت بعث به راه انداختند تا به تعبیر آن‌ها به حقشان در تعیین سرنوشتشان برسند. از شورش ملک محمود تا شورش ایلول به رهبری ملا مصطفی بارزانی، از جنگ در کوه‌های کردستان تا تبعید در شوروی و ایران، و از ماجرای انفال تا بمباران شیمیایی حلبچه، همه و همه در راستای رسیدن به استقلالی است که کردها از آن تعبیر به «سر به خویی کردستان» می‌کنند. اگر چه پس از سالها مبارزه، در سال ۱۹۹۱ در منطقه پرواز ممنوع شمال عراق توانستند حکومت نیمه خودمختاری تأسیس کنند، به علت اختلاف میان دو حزب عمده کرد (حزب دموکرات و اتحادیه میهنی) و دواذاری بودن کردستان، این حرکت چندان مثمر ثمر نبود، اما با آغاز هزاره سوم و حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ و نقش فعالی که کردها در نابودی رژیم بعث و بعدها تدوین قانون اساسی داشتند، توانستند به سیستم فدرالی دست یابند. در این سیستم، به علت امنیتی که در کردستان عراق در مقایسه با دیگر نقاط عراق حاکم بود، رونق و شکوفایی اقتصادی این منطقه را فراگرفت، اما این شکوفایی به علت مدیریت ناکارآمد، فساد اقتصادی، اختلاف میان احزاب کرد، ظهور داعش، قطع بودجه اقلیم کردستان و اختلاف میان اربیل و بغداد چندان دوام نیاورد. کردهای عراق که بر سر ماده ۱۴۰ قانون اساسی و قطع بودجه اقلیم کردستان با حکومت فدرال عراق دچار چالش شده بودند، مدام حکومت عراق را تهدید به همه‌پرسی و جدایی از عراق می‌کردند.

آنها سرانجام با هدایت بارزانی و حمایت بعضی از احزاب کرد، علیرغم مخالفت منطقه‌ای و جهانی، در روز ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷ اقدام به برگزاری همه‌پرسی کردند؛ همه‌پرسی‌ای که به ضرر کردها تمام شد و به انزوای ژئوپلیتیکی، تحریم تجاری و حساسیت ایران و ترکیه به پشتیبانی اسرائیل از همه‌پرسی کردستان انجامید. این تحریم‌ها نتیجه داد و گذشته از تسلط بغداد بر مناطق مورد مناقشه، تعلیق همه‌پرسی توسط اقلیم کردستان و استعفای مسعود بارزانی، سبب کاهش بودجه اقلیم کردستان، اختلافات سیاسی در میان احزاب کرد و نارضایتی عمومی در میان شهروندان اقلیم به دلیل فشار اقتصادی شد. در چنین شرایطی، نچيروان بارزانی نخست‌وزیر اقلیم کردستان کوشید تا با دیپلماسی بین‌المللی و منطقه‌ای، اندکی از فشار واردشده بر اقلیم کردستان را بکاهد. او سرانجام طی سفرهای دیپلماتیکی که به کشورهای اروپایی (فرانسه، بریتانیا و آلمان) و منطقه انجام داد، موفق شد بغداد را به بازگشایی فرودگاهها و گذرگاه‌های مرزی و پرداخت اندکی از حقوق کارکنان و کارمندان اقلیم کردستان راضی کند. همچنین توانست روابط میان ترکیه و جمهوری اسلامی ایران را با اقلیم کردستان بهبود بخشد.

عراق از زمان موجودیت سیاسی خود به عنوان یک کشور از سال ۱۹۲۱ تا به امروز با مسئله خودمختاری کردها و حدود آن در شمال کشور درگیر بوده است. تلاش اقلیم کردستان برای استقلال از عراق، علاوه بر تأثیرگذاری بر امنیت ملی و ثبات سیاسی عراق، می‌تواند بر امنیت منطقه‌ای و داخلی کشورهای همجوار از جمله ایران و ترکیه، نیز تأثیرگذار باشد. که این امر سبب گردید، روابط ایران و ترکیه در سال‌های بعد از شکل‌گیری اقلیم کردستان در ۱۹۹۰ و به ویژه پس از برگزاری رفراندوم استقلال اقلیم، به سمت ائتلاف‌سازی گذرا و اتحاد سوق پیدا نماید.

حضور جمعیت قابل توجه کرد در دو کشور ترکیه و ایران و وجود احزاب و گروه‌های متعدد کرد در مناطق مرزی و نزدیکی رقبای دو کشور به کردستان عراق باعث شد که ایران و ترکیه برای جلوگیری از استقلال کردستان از اقدامات متعددی استفاده کنند که باعث ایجاد یک نوع

ائتلاف بین آن‌ها شد. ترکیه و ایران بر این اعتقاد هستند که منطقه ژئوپلیتیک کردستان عراق، نیازمند فرایند نظارت و سازماندهی است و چنانچه این منطقه از کنترل دولت مرکزی این کشور خارج شود عامل تهدیدی برای امنیت ملی دو کشور به شمار خواهد رفت.

ایران و ترکیه بر این باور هستند که تجزیه سرزمینی عراق می‌تواند موجب ایجاد یک سری تغییرات متوالی در خاورمیانه شود و گمان می‌کنند که استقلال اقلیم کردستان می‌تواند گام اول برای تجزیه طلبی در دیگر کشورهای همسایه باشد. همچنین نگرانی اصلی ایران و ترکیه از استقلال طلبی اقلیم تعمیق آشوب‌های منطقه و افزایش آسیب‌پذیری‌های خاورمیانه برای مداخله قدرت‌های خارجی است. لذا، با احساس تهدید مشترک علیه منافع هر دو کشور ایران و ترکیه در یک ائتلاف و اتحاد گذرا در قبال استقلال طلبی اقلیم کردستان واکنش نشان دادند.

ایران و ترکیه معتقدند انجام همه‌پرسی و استقلال کردستان مشکلات متعددی برای این دو کشور ایجاد کرده و احتمالاً منجر به مطرح شدن مطالباتی برای برخورداری از خودمختاری و در نهایت تشکیل کشور مستقل از سوی کردهای ترکیه و ایران خواهد شد. به عبارت دیگر باید بدینگونه مطرح کرد که استقلال طلبی و برگزاری همه‌پرسی در اقلیم کردستان به مواضع امنیتی دو کشور ترکیه و ایران گره خورده است. کما اینکه، استقلال اقلیم مشکلات و موانع متعددی بر سر راه نفوذ و نقش آفرینی دو کشور به ویژه ایران در منطقه ایجاد می‌کند و چه بسا این تحول حتی تجزیه عراق را به دنبال داشته باشد و این مسئله در کنار فعالیت احزاب کردی در داخل مرزهای دو کشور که در ادوار مختلف به درگیری‌های نظامی و تلفات مختلف طرفین منجر شد، باعث شد که دو کشور ترکیه و ایران موضع مخالف خود را نسبت به برگزاری همه‌پرسی اقلیم کردستان و استقلال این منطقه ابراز کنند. چراکه استقلال کردستان موجب به هم خوردن توازن امنیتی و نظامی کنونی در منطقه می‌شود. ضمناً برپایی کشور نوپای کردستان (عراق) در نزدیکی مرزهای دو کشور با توجه به مناسبات اسرائیل و اقلیم کردستان نگرانی ترکیه و ایران در خصوص حضور اسرائیل در مرزهایشان را به دنبال دارد. این مسئله افزون بر نگرانی‌های امنیتی دو کشور شد.

در نهایت در خصوص تحولات سیاسی و ژئوپلیتیک کردستان عراق بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و نقش تأثیرگذار آمریکا و اسرائیل در آن می‌توان گفت که: منطقه خاورمیانه به دلیل تکثر هویت‌های قومی، مذهبی و نژادی و دولت ملت سازی ناقص و ساختگی در تاریخ همواره با چالش‌های متعددی روبه‌رو بوده است. در این میان در شرایط کنونی تحولات کردستان، متغیر مهمی برای تحولات آینده خاورمیانه محسوب می‌شود؛ چرا که هرگونه تغییر در وضعیت کردها در این کشور به صورت مستقیم بر کشورهای منطقه تأثیر می‌گذارد. از سوی دیگر تحولات کردستان سبب افزایش حساسیت دولت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به مسأله کردها شده و در این میان روابط پنهانی و استراتژیک اسرائیل و کردها بر اهمیت این مسأله افزوده است. این روابط که برپایه منافع مشترک حیاتی دوجانبه کردها و اسرائیل برقرار شده و توسعه یافته است؛ پیامدهای، سیاسی، امنیتی، اقتصادی و اجتماعی بسیاری برای دولت‌های منطقه به ویژه ایران به دنبال دارد. بر این اساس استراتژی و رویکرد سیاست خارجی ایران در قبال کردستان باید بر پایه ملاحظات امنیتی، منافع و تهدیدات آن در کردستان شکل گیرد. مهمترین منافع و تهدیدات استراتژیک ایران در کردستان عراق عبارتند از:

۱. حفظ تمامیت ارضی عراق و عدم استقلال سیاسی و اقتصادی کردهای آن؛

۲. مقابله با نفوذ اسرائیل و آمریکا در منطقه و پیامدهای سیاسی، امنیتی و اقتصادی آن؛

۳. جلوگیری از تقویت جریان‌های پان‌کردی و به ویژه گروه‌های مسلح کردی مانند پژاک؛

۴. تأکید بر اصالت ایرانی کردهای منطقه و نژاد مشترک ایرانی-کردی؛

از سوی دیگر همانطور که اشاره شد با وجود درد مشترک منطقه در پراکندگی اقوام کرد، در تحریک‌های به وجود آمده از سوی رهبران قوم مدار کردستان عراق و دیگر رژیم‌های مداخله‌گر همانند اسرائیل و آمریکا، علاوه بر رویکرد امنیتی، سیاست خارجی ایران می‌بایست همانند وضعیتی که در همه‌پرسی کردستان پیش آمد مجموعه امنیتی منطقه‌ای طبق الگوی مکتب کپنهاگ را مدنظر داشته باشد و این الگو را در موارد

دیگر لحاظ نماید. طبق نتایج و تحقیقات حاصل از این پژوهش پیامدهای امنیتی و تهدیدات حاصل از تحولات ژئوپلیتیک کردستان عراق امنیت ملی جمهوری اسلامی را نشانه رفته است که می‌بایست در روابط مابین ایران و کردستان عراق بحث امنیت را در رویکرد سیاست خارجی لحاظ نمود چرا که در سایه این رویکرد امنیتی است که می‌توان دیپلماسی منطقه را فعال نمود.

کردستان عراق به باور بیشتر تئوریسین‌های منطقه‌گرایی جدید، منطقه‌ای است که ایران خواه و ناخواه در مقایسه با دیگر مناطق دارای نقش محوری‌تری در آن است و ایران مجبور است در راستای تقویت این منطقه جدید (از تاجیکستان، افغانستان و ترکمنستان گرفته تا قفقاز عراق سوریه و ترکیه) گام بردارد؛ چرا که علاوه بر قرابت‌ها و شباهت‌های گسترده‌اش از نظر هویتی و تاریخی و فرهنگی با آن در آینده نیز منافع سیاسی - اقتصادی و امنیتی ایران با این منطقه عجین بوده و دارای قرابت است. ایران می‌تواند با توجه به ژنتیک مردم کرد آن‌ها را از خود دانسته و پای اسرائیل را که با تئوری‌های ساختگی مبنی بر این که نژاد کرد یهودی بوده‌اند کوتاه کند. ایالات متحده آمریکا که هدف اصلی سیاست خارجی‌اش در منطقه تا به امروز مقابله با نفوذ جمهوری اسلامی ایران و منزوی ساختن و کاهش نقش منطقه‌ای ایران بوده است؛ پس از ایجاد اقلیم کردستان عراق تلاش و اهداف خود را در این منطقه معطوف به کاهش نفوذ ایران در این اقلیم و گستراندن پایگاه‌های نظامی خود و تقویت نیروهای پیشمرگه کرد برای حفاظت از اسرائیل و مقابله با نیروهای نظامی ایران خواهد کرد.

با توجه به این مسائل پیشنهاد می‌گردد جمهوری اسلامی برای مقابله با تهدیدهای احتمالی و امکان استفاده از فرصت‌های موجود سیاست‌های زیر را در اولویت سیاست خارجی خود لحاظ کند:

گسترش مناسبات اقتصادی و سیاسی با دولت محلی کردستان عراق و لزوم بستن پیمان‌های دفاعی با رویکرد امنیتی و نظامی در راستای کاهش تهدیدهای امنیتی و سیاسی موجود از سوی گروه‌های رادیکال و جلوگیری از نفوذ اسرائیل؛

گسترش روابط امنیتی و سیاسی با ترکیه و سوریه و دولت مرکزی عراق و تشکیل مجموعه امنیتی منطقه‌ای برای رویارویی با تهدیدات و مقابله با نفوذ اسرائیل در منطقه بویژه در کردستان عراق، ایجاد فضای مناسب و به وجود آوردن مناطق آزاد اقتصادی کردنشینان جهت مراودات سیاسی و اقتصادی مابین کردهای منطقه با کشورهای همسایه کرد؛

تأکید بر هویت ایرانی کردها و پیشینه تاریخی آنان در خاورمیانه می‌تواند علاوه بر خنثی‌سازی تلاش اسرائیل برای همسان‌سازی نژاد کرد و یهود، وحدت نژادی و قومیتی در کردهای منطقه به وجود آورد.

شناسایی و آشکارسازی اهداف اسرائیل در منطقه به ویژه در کردستان که با پوشش اقتصادی و نظامی صورت می‌گیرد در راستای ممانعت از برقراری روابط اسرائیل و کردها؛

با توجه به ریشه ایرانی - کردی و ذهنیت مثبت اکثریت اکراد ساکن کشورهای منطقه و مناسبات نزدیک ایران با کردهای عراق و دولت مرکزی این کشور و نیز رضایت نسبی اکراد داخل کشور از نوع برخورد جمهوری اسلامی ایران با کردهای ساکن ایران باید از فرصت موجود برای گسترش فعالیت‌های اقتصادی - فرهنگی در کردستان عراق استفاده شود.

تأکید بر همکاری کردها و شیعیان در کنار سنی‌ها در ساختار سیاسی عراق و مقابله با مداخلات قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در امور داخلی این کشور؛

اسرائیل علیرغم حضور در کردستان عراق و تقویت احزاب اپوزیسیون ایران به عنوان اهرم فشار علیه جمهوری اسلامی ایران در نهایت دارای تأثیراتی حداقلی و ضعیف بر امنیت ملی ایران بوده است. با توجه به ارتباطات فرهنگی و نفوذ غیرقابل انکار ایران در عراق و تجانس بالای فرهنگی کردها با ایران این اهرم نتوانسته است به طور جدی امنیت ملی ایران را تحت تأثیر قرار دهد. به طور یقین با تقویت اقتصادی مناطق کردنشین ایران، افزایش مشارکت هموطنان کرد در قدرت سیاسی و توجه به خواست‌های فرهنگی مردم منطقه تأثیرات امنیتی نامطلوب حضور

ایالات متحده در کردستان عراق بر امنیت ملی ایران کنترل خواهد شد. کردها برخلاف گذشته که بیشتر به عنوان یک نیروی چالش‌گر قدرت مرکزی در عراق معروف بودند، اکنون خود به عنوان بخشی از حاکمیت عراق محسوب می‌شوند. ائتلاف و همکاری کردها با هر یک از دو گروه شیعیان یا سنی‌ها به منظور کسب سهم بیشتر -چه در مجلس ملی و چه در حکومت مرکزی عراق- می‌تواند نقش بسیار مهمی در میزان نفوذ دو کشور جمهوری اسلامی ایران و ترکیه در عراق داشته باشد.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

EXTENDED SUMMARY

The Kurdish separatism issue remains a central geopolitical fault line in the West Asian region, perpetuating instability and influencing the foreign policies of regional powers, especially Iran and Turkey. The Kurdistan Region's 2017 independence referendum epitomized the Kurdish aspirations for self-determination, an act that significantly reshaped the regional political landscape. The referendum, led by the Kurdistan Regional Government (KRG) under Masoud Barzani, was met with strong opposition from neighboring states. This paper investigates the foreign policy responses of Iran and Turkey, analyzing their strategic cooperation and conflict in the context of shared concerns regarding Kurdish independence.

Following the emergence of ISIS, the power vacuum in Iraq intensified, presenting the Kurds with a perceived opportunity to assert their aspirations for independence. The referendum was largely driven by ethnic nationalism, historical grievances, and economic considerations. However, its outcomes—economic sanctions, territorial disputes, and regional opposition—underscored the complexities of achieving Kurdish independence (Abdollahpour et al., 2017; Basiri et al., 2017). The KRG's failure to garner sufficient international support for independence further highlighted the geopolitical constraints of the region.

Iran and Turkey's responses to the referendum were influenced by domestic considerations, including their significant Kurdish populations, and broader regional dynamics. Both countries viewed Kurdish independence as a direct threat to their territorial integrity and regional influence. Consequently, they formed a transient alliance, leveraging economic, diplomatic, and military tools to counter the KRG's ambitions. Turkey's concern about Kurdish autonomy in Iraq was exacerbated by its longstanding conflict with the Kurdistan Workers' Party (PKK) (Dehghani Firouzabadi & Fathi, 2019). Meanwhile, Iran's strategic approach emphasized preserving Iraq's territorial integrity and countering the influence of external powers, particularly the United States and Israel (Ahmadian et al., 2018; Akinci, 2017).

The geopolitical significance of the Kurdistan Region extends beyond its oil reserves and strategic location. It has been a focal point of regional and international rivalries, involving actors like the United States and Israel, whose interests often conflict with those of Iran and Turkey. The KRG's covert and overt relations with Israel were particularly alarming for Tehran and Ankara, as they perceived it as a destabilizing factor that could amplify separatist movements within their borders (Farahmand & Sami'i, 2018). This perception catalyzed their coordinated actions to prevent the realization of Kurdish independence.

Despite the referendum's failure, the Kurdish issue remains a persistent challenge in regional politics. The events of 2017 underscored the importance of regional security frameworks, such as the "regional security complex" concept proposed by Buzan. According to this framework, the interdependence of security dynamics among neighboring states necessitates collaborative strategies to address shared threats. Iran

and Turkey's temporary alignment against the KRG exemplified this principle, demonstrating how common security concerns can bridge ideological and political divides (Ababakr, 2020; Kavalek, 2016). The implications of the Kurdish referendum extend beyond the immediate region. The tensions it generated have influenced broader Middle Eastern geopolitics, affecting the balance of power among regional and extra-regional actors. The referendum also highlighted the fragility of Iraq's federal structure and the unresolved disputes over resource sharing and territorial control, particularly in Kirkuk. These issues underscore the need for sustainable governance mechanisms that can accommodate the diverse ethnic and sectarian identities within Iraq (Koulai et al., 2016). In conclusion, the 2017 Kurdish independence referendum was a watershed moment in the geopolitics of the Middle East, revealing the intricate interplay of nationalism, regional rivalries, and international interests. Iran and Turkey's coordinated response to this crisis illustrated their shared vulnerabilities and strategic imperatives, even as they continue to navigate their complex bilateral relations. The findings of this study contribute to a deeper understanding of the dynamics shaping the Kurdish question and its broader implications for regional stability.

References

- Ababakr, Y. M. (2020). Iraqi Kurdistan Region: From Paradiplomacy to Protodiplomacy. *Review of Economics and Political Science*.
- Abdollahpour, M. R., Mohseni, A., & Rasteh, D. (2017). Diaspora and the Rise of Kurdish Nationalism with Emphasis on Conflict Models. *Journal of Political Research in the Islamic World*, 7(1).
- Ahmadian, Q., Akbari, S., & Akhavan Kazemi, M. (2018). The Arab Spring and Its Impact on the Position of the Kurdistan Regional Government in the Middle East. *Iranian Journal of International Politics*, 7(1).
- Akinci, B. (2017). The Effects of Northern Iraq Regional Management of 25 September on National State Personnel. *The Journal of International Civilization Studies*, 2(2), 3-23.
- Basiri, M. A., Majidi Najad, S. A., & Alishahi, A. (2017). Causal Analysis of the Failed 2016 Coup by the Turkish Army Against the Justice and Development Party. *International Relations Studies*, 10(37), 39-64.
- Dehghani Firouzabadi, S. J., & Fathi, M. (2019). Turkey's Political and Security Objectives in the Developments of West Asia and North Africa. *Scientific Journal of Defensive Strategy*, 17(65), 164-194.
- Dehghani Firouzabadi, S. J., & Khediri Varyk, K. (2013). The Geopolitical Impact of Iraqi Kurdistan on U.S. Foreign Policy in Iraq (2003-2012). *Quarterly Journal of International Political Studies*, 16, 1-28.
- Farahmand, S., & Sami'i, A. (2018). Explaining the Justice and Development Party of Turkey's Approaches to the Kurds from National Reconciliation to Suppression Policy (2002-2015). *Quarterly Journal of International Political Researches of Azad University of Shahr-e-Reza*, 36, 90-118.
- Farzinrad, R., Forouzan, Y., & Alishahi, A. (2019). Analyzing the Independence Referendum of the Kurdistan Region of Iraq and Its Impact on the National Security of the Islamic Republic of Iran. *Scientific Quarterly of Strategic Studies in Public Policy*, 9(1).
- Garmiany, R., & Paul, M. (2017). Iraqi-Kurdish Clash in Kirkuk Opens Door to More Iranian Influence.
- Kavalek, T. (2016). The Catch-22 in Nineveh: The Regional Security Complex Dynamics between Turkey and Iran. *Journal of Policy Paper*, 3(4), 1-15.
- Koulai, E., Hariri, R., & Asadi Kia, B. (2016). The Kurdish Issue in Iran-Turkey Relations. *Geopolitical Quarterly*, 12(3), 1-27.
- Mills, R. (2016). *Under the Mountains: Kurdish Oil and Regional Politics*. The Oxford Institute for Energy Studies.
- Monti, A., & Hadian, N. (2019). The Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran Towards Iraq from the Perspective of Threat Balance. *Biannual Scientific Journal of Political Sociology of the Islamic World*, 7(2), 139-164.
- Olson, R. (2015). *Kurdish Problem and Iran-Turkey Relations Translated to Persian by: Ibrahim Yonessi*. Paniz Publications.
- Padrovorand, M., & Zanganeh, Z. (2019). The Independence Referendum of the Kurdistan Region of Iraq and the Sustainability of the Threat Balance in Relations Between Iran and Turkey. *International Journal of Nations Research*, 4(41).
- Pour Ahmadi Meybodi, H., & Qiyasi, S. (2020). Iran's and Turkey's Foreign Policy Approaches to the Issue of Kurdish Independence in Iraq. *International Relations Researches*, 10(2).
- Sazmand, B. (2010). Power Balance Theory and Waltz: A Critique and Review of Its Efficiency in the Modern Era. *Quarterly Journal of Foreign Relations*, 2(4).
- Tabatabai, A. (2017). Iran and the Kurds: What the Referendum Means for Tehran.